

بسم الله الرحمن الرحيم

مذاکرات غیر رسمی ایران و آمریکا در دو کانون مسقط عمان و دوحه قطر

اشاره:

آن چه پیش رو دارید بفش دوم متن پیاده شده سفنان دکتر منیف غفاری (کاشناس روابط بین الملل است که به دعوت سازمان بسیج اساتید در همایش جهادگران تبیین اساتید بسیجی در مشهد مقدس (۱۴۰۲/۶/۱) ایراد شده است، بفش اول این سفنرانی در شماره قبل نشریه بصائر ارسال شد و اکنون بفش دوم با عنوان "آفرین وضعیت مذاکرات هسته ای" جهت بهره برداری مسئولان، مدیران و بویژه جهادگران تبیین تقدیم می گردد.

مرداد ماه سال گذشته آخرین دور مذاکرات هسته ای را در وین به شکل رسمی با طرف مقابل برگزار کردیم ولی به دو دلیل عمده توافق صورت نگرفت:

۱- اصرار آژانس بر عدم مخومه کردن پرونده های ادعایی علیه ایران

آژانس روی سه نقطه در ایران دست گذاشته بود یکی در مریوان آذربایجان غربی، یکی در تورقوز آباد تهران و دیگری در آباءه استان فارس، گفته بود ایران حدود

۱۵ سال قبل در این سه مکان دست به غنی سازی اورانیوم در حد محدود زده و ما باید این مکان ها را بازرسی کنیم و ببینیم خاک این مکان ها آغشته نیست، ایران پذیرفت و اعلام کرد دسترسی محدود برای بازرسی می دهیم اما گفتیم اگر دیدید این مکان ها عاری از اورانیوم هست آیا شما حاضرید پرونده را مختومه کنید؟ آژانس گفت خیر. گفتند حتی اگر شما برجام را هم احیا کنید ما برای بازرسی این سه مکان خاص دائما می آئیم و بازرسی می کنیم.

این جا ممکن است مخاطبین یک چیزی به ذهنشان خطور کند و این که مگر شما نمی گوئید اینجا پاک است و مشکلی ندارد خب بگذارید هزار بار بیایند و بازرسی کنند پاسخ آن است که در اینجا یک تبصره ای داریم به نام بازرسی های فرعی که به عنوان مثال، بازرسی می آید مکانی مانند آبادیه فارس را بازرسی می کند بعد می گوید من در اینجا چیزی ندیدم ولی به تشخیص من دو مکان مربوط به این جا هست و باید بروم آنجا را هم بازرسی کنم که آن موقع تحت عنوان بازرسی فرعی یا باید اجازه دسترسی را به آژانس بدهیم و یا با آژانس وارد چالش شویم. اصرار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر مختومه کردن پرونده این است که بازرسی های غیر متعارف آژانس حول این سه نقطه اصلی شکل نگیرد. پس علت آن که با آمریکا توافق نکردیم یک علتش همین است.

۲- عدم ارائه تضمین توسط وزارت خزانه داری آمریکا

ما در مذاکرات سال گذشته اصرار کردیم باید این بار وزارت خزانه داری آمریکا تضمین بدهد که شرکت های خارجی بدون ترس از آمریکا دو تا چهار سال در ایران فعالیت کنند. به این دلیل که همان زمانی که در دوره اوباما برجام داشت اجرا می شد یک شرکت خارجی که در ایران می آمد و سرمایه گذاری می کرد برای این که مشکلی برایش پیش نیاید می رفت و با وزارت خزانه داری آمریکا مکاتبه می کرد و می گفت من می خواهم با ایران این توافق را انجام بدهم. به او پاسخ می دادند که شما الان برای سرمایه گذاری در ایران مشکلی ندارید اما معلوم نیست این توافق بماند، در ضمن مواظب سرمایه تان هم باشید لذا ناظر به این نامه، آن شرکت می آمد یک پروژه را با سرمایه گذاری محدود با ایران می بست و می رفت و دوباره برای یک پروژه دیگر می آمد و دوباره این پروسه را طی می کرد ما می گفتیم به خاطر اینکه سرمایه گذاری پروژه محور محدود تبدیل به سرمایه گذاری پروسه محور شود و پول را در کشور پمپاژ کند، نیاز هست که خود وزارت خزانه داری آمریکا بیاید و اعلام کند نیاز به این مجوزهای محدود نیست و رسماً این را ابلاغ کند ولی دولت بایدن زیر بار نرفت و گفت اگر این کار را انجام بدهم آن موقع پول وارد ایران می شود و این خط قرمز من است.

به هر حال براساس این اختلافات توافق شکل نگرفت و بعد هم شهریور ماه اغتشاشات صورت گرفت. سؤال: از شهریور سال گذشته تاکنون آیا همان طوری که آمریکایی ها گفتند مذاکرات قطع شده بود؟ خیر. از طریق سه کشور قطر، عمان و سوئیس حول این دو محور اختلافی مذاکرات غیر مستقیم شان را با ایران ادامه می دادند و مدام پیام می دادند.

الان مذاکرات در چه وضعیتی است؟

۲۶ مهرماه طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل حول برجام تحریم های مربوط به قطعات دوگانه پایان می پذیرد، قطعات دوگانه چه چیزهایی هستند؟ قطعاتی که هم در صنعت موشکی کاربرد دارند و هم در صنعت عمومی و آنقدر این تحریم ها مهم بود که به تحریم های موشکی ایران از آن یاد می شد آمریکایی ها می گویند تا ۲۶ مهر ما باید تکلیف مان را مشخص کنیم و سه راه بیشتر ندارند:

۱- احیای توافقی که ترامپ از آن بیرون رفت

۲- از بین بردن تمامی بقایای برجام از طریق فعال سازی مکانیزم ماشه و بازگرداندن

کل تحریم ها

۳- راهکار بین ابطال و احیای برجام

پاسخ گزینه اول: چرا آمریکایی ها نمی آیند برجام را احیا کنند؟

برای این که جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده ما احیای برجام را به سبک قبلی مخصوصاً این که شما یک بار از آن خارج شدید را بر نمی‌تابیم و تضمین و تعهد فنی و مالی می‌خواهیم.

برای تعهد مالی وزارت خزانه داری آمریکا باید ضمانت بدهد و برای تضمین فنی، سانتیریفیوژهایی که طبق توافق برجام به کشور ثالث برده می‌شدند اما از این به بعد اگر خواستیم آنها را باز کنیم باید در ایران بمانند یا در بحث این که اعلام شده بود ایران ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده می‌تواند داشته باشد ما گفتیم کمتر از ۳۵۰ کیلوگرم را نمی‌پذیریم و باید محصول نهایی را در اختیار داشته باشیم.

بایدن می‌گوید اگر با شرایطی که ایران دارد برجام را احیا کنیم ترامپ در انتخابات یقه مرا می‌گیرد و می‌گوید من از یک توافق بد بیرون رفتم و تو آمدی به این توافق قفل و زنجیر زدی.

سال ۱۳۹۰ آمریکایی‌ها پیشنهاد دادند با ایران در مسقط یک سری مذاکرات غیر اعلامی را ادامه بدهیم که زمینه‌ای شد برای مذاکرات. که بعداً به اوباما می‌گفتند تو از اغتشاشات‌ها در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ حمایت کردی و همزمان هم سیگنال می‌دادی که با ایران مذاکره کنی که اوباما نتوانست پاسخی بدهد.

لذا بایدن می‌گوید الان با این شرایط اگر با ایران مذاکره کنیم اوضاع بدتر خواهد شد، و می‌گویند در بهیو حه اغتشاشات داخلی، دولت آمریکا دارد یک معامله کلان

اقتصادی در قالب برجام با ایران انجام می دهد لذا بایدن می گوید در اینجا باید پاسخگو باشم.

منطقی که الان ما داریم این است که آمریکا برای بازگشت به برجام تن به راستی آزمایی بدهد که ما باید بفهمیم بحث سوئیفت، خودرو سازی، کشتیرانی و بیمه حل شده یا خیر؟ که این سنجش شش ماه طول می کشد و شش ماه بعد هم می شود انتخابات ریاست جمهوری آمریکا لذا می گوئیم بهتر است بازی را تا صحنه شفاف تر شود هدایت و مدیریت کنیم.

پاسخ گزینه دوم: بحث این است که آمریکا بیاید و گزینه ماشه را فعال کند و کلیه تحریم ها را برگرداند البته خودش چون در برجام نیست نمی تواند این کار را انجام بدهد لذا باید از طریق سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) این کار را انجام دهد. این سه کشور چه کار باید بکنند؟ این سه کشور یک بیانیه بدهند و بگویند ما سر برجام با ایران به توافق نرسیدیم؟ با این کار پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل می رود و با حق و توی آمریکا کل تحریم های قبلی علیه ایران برمی گردد، در ظاهر راه راحتی است پس چرا انجام نمی دهند؟ آیا دلشان برای مردم ما یا برای اقتصاد ایران سوخته؟ خیر، این پروسه از زمان اعلام تا زمان اجرا دو ماه طول می کشد و به محض اعلام این مسئله جمهوری اسلامی ایران می تواند تبدیل غنی سازی اورانیوم ۶۰ درصد به ۹۰ درصد را در نظنز و فردو در دستور کار قرار دهد، برآورد

ایران با آژانس این است که این کار یک هفته تا ۱۰ روز طول می کشد اینجا اروپا به آمریکا می گویند زمان به نفع واکنش ایران است نه کنش ما و در واقع آچمز می شویم.

غنی سازی ۹۰ درصدی یعنی یک کشور توان لازم برای ساخت سلاح هسته ای را دارد. یک توضیح لازم است که ممکن است گفته شود مگر رهبر معظم انقلاب فرمودند ما نمی خواهیم سلاح هسته ای تولید کنیم اینجا باید یک تفکیک قائل شویم بین توان ساخت و خود ساخت، خط قرمز غرب این است که ایران توان ساخت را داشته باشد و می گوید اگر ایران وارد این مرحله شود ما عملاً ابزاری برای کنترل ذخایر هسته ای جدید ایران نداریم و وارد تنش غیرقابل مدیریت و ناخواسته با ایران می شویم یعنی تنشی که ترکش هایش معلوم نیست چقدر علیه اروپا و آمریکا باشد. می گویند نمی توانیم و صحنه از دستمان در می رود.

الان آن چه در مسقط و دوحه دنبال می شود ترجمانی از راهکار سوم است که آمریکا می گوید نه ابطال برجام نه احیای برجام.

اول گفتند بیاید با هم توافق موقت کنیم یعنی توافق شش ماهه . طبق عرف بین الملل، (در پیغام و پسغام هایی که به قطر دادند) گفتند تا شش ماه نفت تان را بفروشید و ما مانعی برای شما ایجاد نمی کنیم. در مقابل شما هم سطح غنی سازی را یک درجه پایین بیاورید یعنی شما از سطح ۶۰ درصدی به سطح ۲۰ درصد بیاید

یک دلیل نپذیرفتن ایران این بود که ایران گفت ما وقتی توافق دائم را داریم نمی توانیم توافق موقت کنیم، دفعه قبل هم که توافق موقت ژنو را بستیم تا برجام شکل گرفت به این خاطر بود که هیچی نبود، از صفر به توافق موقت و سپس به توافق دائم رسیدیم بنابراین، این عقبگرد را نمی پذیریم. ضمناً آمدیم آقای بایدن بعد از شش ماه گفت من این را تمدید نمی کنم مگر اینکه به من ۱۰ تا امتیاز یکجا بدهید، اگر ما بگوئیم به شما امتیاز نمی دهیم و از توافق بیرون بیایم عواقب و تبعات اقتصادی برای ما وجود خواهد داشت و اگر هم امتیاز بدهیم که به آمریکا باختیم، پس می گوئیم چرا خودمان را بعد از شش ماه در سر دو راهی قرار بدهیم که هردو گزینه اش ضرر است فلذا سریعاً اعلام کردیم که توافق موقت را نمی پذیریم.

در جریان سفر پادشاه عمان به ایران یک پیشنهاد به ایران داده شد و دیدند که دیگر چاره ای نیست گفتند بیاید گام به گام ذیل سند اصلی برجام جلو بیایم و صحنه را کنترل کنیم تا بعداً تکلیف برجام را مشخص کنیم. ما گفتیم پیشنهاد های عملیاتی را بیاورید بعداً یک مرحله جلوتر رفت و توافق تبدیل شد به تفاهم.

توافق یک سند حقوقی و چارچوب بسته است ولی تفاهم یک چارچوب و سند باز است و جنس آن هم بیشتر سیاسی است (مثل سندی که آقای شمعخانی رفت و با عربستان بست و یا تفاهم پکن). تفاهم در مواردی می تواند به توافق تبدیل شود و دامنه دربرگیری موضوعات آن هم معمولاً بیشتر است برای همین است که کنار

بحث هسته ای موضوع آزادی زندانیان دو تابعیتی در ازای آزادسازی اموال بلوکه شده ایران مدنظر قرار گرفت که آن هم مراحل اولی داشت اول روی سه نفر بحث شد (سیامک نمازی، مراد تاق باز و عماد شرقی) سه نفر ایرانی وابسته لابی نیاک (لابی ایرانیان آمریکا) که به دلیل فعالیت های ضد امنیتی در ایران دستگیر شده بودند، آمریکایی ها می گفتند این سه نفر را آزاد کنید تا اموال بلوکه شده ایران به قطر برود و ایران در آنجا به اموال دسترسی پیدا کند بعداً این سه نفر در طول اغتشاشات پنج نفر شدند مخصوصاً نفر پنجم یک خانمی که در افغانستان که در قالب NGO فعالیت کرده بود. الان ماجرا در چارچوب تفاهم پیش می رود با سه ملاحظه ای که جمهوری اسلامی دارد که یکی از آن ها را رهبر معظم انقلاب در سالگرد ۱۴ خرداد در حرم حضرت امام مطرح فرمودند که ما با تفاهم مشکلی نداریم به شرطی که زیرساخت های هسته ای ایران حفظ شود، زیرساختی که الان با آن به توان غنی سازی ۶۰ درصد رسیدیم یعنی این توانایی باید حفظ شود.

دوم این که ستانده هایمان از داده هایمان باید بیشتر شود الان در توافق زندانیان، ما گفتیم در قبال پنج یا هشت ایرانی زندانی (که بیشتر برای انتقال اقلام خاص در آمریکا هستند) در کنار اموال بلوکه شده باید آزاد شوند، یعنی اینجا ستانده بیشتر است.

سوم این که نمود عینی اقتصادی داشته باشد یعنی این گونه نباشد که وقتی آزاد سازی اموال انجام گرفت ما دسترسی ملموس نداشته باشیم، اولاً صرفاً شش میلیارد دلار نیست بلکه خیلی بیشتر است، اموال بلوکه شده ما در عراق بیشتر از کره جنوبی است، در ژاپن و حتی بعضاً در هند هم شامل می شود و قرار نیست برخلاف آنچه که اعلام شد فقط صرف خرید دارو و غذا بشود، یک چیزهایی سیاست اعلامی است یعنی آمریکایی ها می دانند و ما هم می دانیم وقتی پول از چنگال آمریکایی ها بیرون بیاید و در حساب بانکی واسطه بنشیند یعنی ایران دسترسی های دیگر را هم می تواند داشته باشد.

جمله آخر، این تفاهم یا ده ها تفاهم مشابه نمی توانند در نهایت حکم نقطه ثقل اقتصاد و سیاست خارجی ما باشند چنانچه برجام به عنوان توافق اصلی جایی به پاشنه آشیل ما تبدیل شد که متأسفانه براساس باورهای دولتی که مدعی بود زبان دنیا را می داند به عنوان محور و متغیر مستقل در نظر گرفته شد.

آیا این تفاهم می تواند مفید باشد؟ بله، به شرطی که نگاه ما به آن ابزاری و تاکتیکی باشد. وقتی شما یک تفاهم را در اختیار دارید که با آن ظرفیت، پول و امکاناتی را وارد کشور می کنید و معطوف به اینکه این را در آینده در اختیار ندارید آنموقع استفاده درست از آن خواهید کرد. یک وقتی می گوئیم این یک تفاهم شد و همه معادلات کشور را به آن گره بزنیم این می شود استفاده نادرست و برای

کشور تبعات دارد. اما بحمدالله هم نگاه نظام و هم نگاه کلان دولت ما به این موضوع نگاه درستی است و همان نگاه تاکتیکی و ابزاری است و این باید در رویکردهای عملیاتی و وزارتخانه ها مخصوصاً وزارتخانه های اقتصادی مان بسط پیدا کند و مشاهده شود.

انشالله مجموعه تحولات روابط بین الملل به گونه ای پیش برود که در سایه یک رصد هوشمندانه و اقدام آگاهانه شاهد ارتقای وضعیت معیشتی کشور و پایداری انقلابمان باشیم.